

المُسْتَعَان

فِي

أَعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء السابع والعشرون و الجزء الثامن والعشرون

المجلد الرابع عشر

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
بِرَرَسِي صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَازِهِائِ هَآءِ الْكَرِيمِ

عَرَبِيٍّ، فَارْسِيٍّ

تَأَلِيفُ:

الدكتور سيّد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

سرشناسه:	نجفی، سید رضا، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور:	المستعان فی اعراب القرآن/ تألیف سید رضا نجفی.
مشخصات نشر:	اصفهان: کتابخانه نجف، ۱۳۹۲-
مشخصات ظاهری:	ج. ۴۵۴ ص.
شابک:	دوره: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰؛ ج ۱: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰؛ ج ۲: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰
وضعیت فهرست‌نویسی:	ج ۱۴: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰؛ ج ۱۵: ۰-۵-۹۴۰۷۰-۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰
یادداشت:	فایا
یادداشت:	عربی.
یادداشت:	پشت جلد لاتینی شده: ... Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe
یادداشت:	ج ۲ و ۱۴ و ۱۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فیفا)).
یادداشت:	کتابنامه.
یادداشت:	نمایه.
مدرجات:	ج ۱. سورة الحمد و سورة البقرة... ج ۲. جزء ۳ و ۴: سورة البقرة - سورة النساء... ج ۱۴. جزء ۲۷ و ۲۸: سورة الذاریات الی التحریم... ج ۱۵. جزء ۲۹ و ۳۰: سورة الملک الی سورة الناس
موضوع:	قرآن -- صرف و نحو
موضوع:	Qur'an -- Grammar
موضوع:	قرآن -- ادب
موضوع:	Qur'an -- *Literatures
رده‌بندی کنگره:	BP۸۴۰۷۰-۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰
رده‌بندی دیویی:	۹۷/۱۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۳۰۰۸۰۸



- نام کتاب:المُستعان فی اعراب القرآن - المجلد الرابع عشر
- مؤلف:دکتر سیدرضا نجفی
- صفحه‌آرا:عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار:چاپ اول - ۱۳۹۵
- شمارگان:۱۰۰۰
- ناشر:کتابخانه نجف
- چاپ و صحافی:کار اصفهان
- شابک جلد چهاردهم:۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۱۵-۳-۸
- شابک دوره ۱۵ جلدی:۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

۵	 مقدمه
۱۱	 سُورَةُ الدَّارِيَاتِ
۴۲	 سُورَةُ الطُّورِ
۶۸	 سُورَةُ النَّجْمِ
۹۸	 سُورَةُ الْقَمَرِ
۱۲۸	 سُورَةُ الرَّحْمَنِ
۱۶۰	 سُورَةُ الْوَاقِعَةِ
۱۹۲	 سُورَةُ الْحَدِيدِ
۲۳۹	 سُورَةُ الْمَجَادِلَةِ
۲۷۵	 سُورَةُ الْحَشْرِ
۳۱۱	 سُورَةُ الْمُمْتَحِنَةِ
۳۳۹	 سُورَةُ الصَّفِّ
۳۵۷	 سُورَةُ الْجُمُعَةِ
۳۷۰	 سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ
۳۸۵	 سُورَةُ التَّغَابُنِ
۴۰۶	 سُورَةُ الطَّلَاقِ
۴۳۰	 سُورَةُ التَّحْرِيمِ
۴۵۲	 فهرس المصادر و المراجع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿وَإِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. مسلمانان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت بر آن در سطور مت گماردند. علما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناختن آن معنی بلند، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و قرائت و بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت عبرت ها، قصص و امثال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا صرفی و نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکار ساختن است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه ای که در آن خطایی نباشد، ابن هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می سازد. برخی مانند ابن مالک، اعراب را پدیده ای لفظی دانسته اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمه ظاهر می شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده ای معنوی دانسته اند که حرکات و سکانات دلیل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است، اما بر بایه ی معنای لغوی همه ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که در باب فراگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمِسُّوا غَرَائِثَهُ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَيْ تَعْرَبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهای هر واژه می باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می انجامد. از این رو اعراب هزار زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَّفَعْنِ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُؤْلِی (م. ۶۹۰ق) به اشاره امام علی (عَلِیْهِ السَّلَام) و با کمک یحیی بن یَعْمُر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر قضاوت و در آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقطه‌های مرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد فَرَاهِیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآید و به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته با تحولی در اعراب قرآن مواجه می‌شویم، دانشمندی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن غَلاّء، عیسی بن عُمَر ثَقَفِی، یونس بن حَبِیب به تحلیل و تبیین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سیبویه است؛ رب در اثر «ان سنگ خود» «الکتاب» که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تحلیل نقش نوای کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در «الکتاب» به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مائت گوناگون نحوی استشهاد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش «الکتاب»، مکتب نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در سماعی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، نحو کوفه و پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) بدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحو بصره از اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پیشتازی نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر صحیح بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندانی چون ابن خالَوَیْه، ابن دُرُسَوَیْه، ابن جُتّی، رَجّاج و زُحَیثی به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر رُؤَاسِی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هم که استاد کسایی و فَرّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبْرَسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و شیوطی و زُرْکَشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی‌شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرایی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی خاص برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هشام رجوع به عبارت باید همزمان هر دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مستر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان قتی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندان عربی که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، آثار از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند مکی بن ابی طالب القیس (م ۴۳۷ق) تنها به مشکل اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابن الأنباری صرفاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابوالقاسم عکرمی (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إملاء ما منَّ به الرحمن"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که اشکال باشد، ابواسحاق زجاج (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن پرداخته است و بعضی مانند قزّاز در کتاب "معانی القرآن" و ابن جی (م ۳۹۲ق) در کتاب "مُحْتَسَب" و ابن فارس (م ۳۹۵ق) در کتاب "حجّة" و نحّاس (م ۳۳۸ق) در کتاب "اعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب و قسوت پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند، عبارتند از: قُطَيب (م ۲۰۰ق)، أَبُو حاتم السجستانی (م ۲۴۸ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُبرَد (م ۲۸۶ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب (م ۲۹۱ق)، و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بن خَالَوَيْه (م ۳۷۰ق)، و أَبُو زَكْرِيَا ثَبْرِي (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند مُحَمَّد زَخْشَرِي (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الْكَشَاف"، و أَبُو حَيَّان الْأَنْدَلُسِي، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِيط"، حسن طَبْرَسِي در کتاب "تَجْمَعُ الْبَيَان"، و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" زجاج و "مَعْنَى اللَّيْب" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته

در واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از محی الدین درویش و "الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیما، مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم‌افزار و دریافت نتایج و بازخوردها، انگیزی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به همه مشایخان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی که ویژه پژوهشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سرفصل دانش پایان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، تلاش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در علم فصحیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلامی، دری گزیده شود و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین آن، در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صناعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب و وجوه مشهور و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُتَمَثِّل و مُرْتَبِط دیگر نیز، به زبان فارسی در پاورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در حاشیه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۲۷ و ۲۸ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هرآیه در دسترس خواننده قرار گرفته است. و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه: اسم، فعل یا حرف،

اطلاعات برابر در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت‌گذاری کامل، برابر نمونه‌های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:
 قَدْ: حرف، حرف تحقیق، غیر غایب، مَبْنِيٌّ، بِناوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.

عَلَى: حرف، حرف جرّ، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلِ قَبْلِهِ، غَايِبٌ، مَبْنِيٌّ، بِناوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ.
 برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع اسم به این دو خط ارب: // از هم جدا گشته‌اند:

الْحَمْدُ: اِسْمٌ، جَامِدٌ مُصَدَّرٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُنْصَرَفٌ، ح م د، اَلْفَعْلُ، مُعَرَّبٌ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالصَّيْغَةِ.

برای اسم غیر عربی تنها ۶ ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم مبنی ۳ ویژگی صرفی نوشته می‌شود، مانند:

مُوسَى: اِسْمٌ، اِسْمٌ غَيْرُ عَرَبِيٍّ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، غَيْرُ مُنْصَرَفٍ مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ، مُنْصَوْبٌ بِالْفَتْحَةِ اَلْمُقَدَّرَةِ.

أَلْفٌ: اِسْمٌ، اِسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوْبٌ بِالْفَتْحَةِ.
 تِسْعَةُ عَشْرَةَ: اِسْمٌ، اِسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَبْنِيٌّ، بِناوُهُ اَرْضٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، يَجْزُو تَحَلًّا.

يَبْنِي: اِسْمٌ، ظَرْفٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصَوْبٌ بِالْفَتْحَةِ.
 مَنْ: اِسْمٌ، اِسْمٌ شَرْطٌ جَائِزٌ، مَبْنِيٌّ عَلَى السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلًّا.

برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل معرب: مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدّم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مَاضٍ، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فِعْلٌ، مَبْنِيٌّ، بِناوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ اِلِسْمُ الظَّاهِرُ.

كُلُوا: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْمُخَاطَبِينَ ۹، ثَلَاثِيٌّ مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، أَك ل، عَلُوا، مَبْنِيٌّ، بِناوُهُ أَصْلِيٌّ، مَبْنِيٌّ عَلَى خَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الصَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجَمْلَةُ: اِسْتِثْنَائِيَّةٌ، لَا تَحْتَ لَهَا مِنْ اِلْعَرَابِ.

تَنْبِئُ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَائِيَةِ ٤، ثَلَاثِي مَزِيدٌ: إِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تَفْعِيلٌ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالصَّمَةِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

لِيَصُمُّ: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْعَائِيَةِ ١، ثَلَاثِي مَجْرَدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيَفْعُلَ، مُعَرَّبٌ. // مَجْرُومٌ بِالسُّكُونِ. // فَاعِلُهُ صَمِيرٌ مُسْتَرٌّ جَوَازًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي مَحَلِّ الْجَزْمِ، جَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه موردنظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل‌های منفی، مثبت معنا شده است.

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل‌های تام و نوع اسم در فعل‌های ناقص، با یکی از گزینه‌های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در مقابل خود عمل مشخص شده است.

نوع جمله، چه صغری و چه در، و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مقابل فعل اگر مرفوع ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول‌هایی مانند مفعول به، مفعول فیه، مفعول مطلق که فعل آن‌ها محذوف است معین می‌گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله‌ای دیگر است:

هُم: إِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُتَفَصِّلٌ مَرْفُوعِي، مَبْنِي عَلَى السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ مَحَلًّا.

يُوقِتُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْعَائِيَةِ ٣، ثَلَاثِي مَزِيدٌ: إِفْعَالٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌّ بِحَرْفِ الْجَزْمِ. ب، مَعْلُومٌ، ي ق ن، يُفْعِلُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالسُّكُونِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: فِي مَحَلِّ الرَّفْعِ، خَبَرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُبْرَى: مُعْطَوْفَةٌ، لَا تَحْتَ لَهَا مِنْ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهشی مرکز عربی دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: ketabdar.info/earabolquran نیز قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنیا و توشه نبی باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَان

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان